

مهاجرت مسلمانان کشورهای شمال آفریقا به فرانسه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴: فرصت یا تهدید؟

1

صفورا ترک لادانی^۱
زهره قبادی^۲

چکیده: پس از جنگ جهانی دوم، تعداد زیادی از مسلمانان کشورهای شمال آفریقا به فرانسه مهاجرت کردند، که حضور استعماری ۲۰۰ ساله فرانسه و به تبع آن گسترش فرهنگ و زبان فرانسه در این کشورها زمینه‌ساز این مهاجرت‌ها بوده و علت این مهاجرت از سوی کشور مبدأ، شرایط نامساعد اقتصادی، قحطی و جنگ، و از سوی کشور مقصد، کمبود نیروی انسانی برای کار بوده است. پدیده مهاجرت همواره دربردارنده جنبه‌های مثبت و منفی بسیاری چه برای کشورهای مهاجرفرست و چه برای کشورهای مهاجرپذیر می‌باشد. هدف این پژوهش با اتخاذ روش نقد توصیفی-تحلیلی این است که نشان دهد حضور این مهاجران در فرانسه برای این کشور فرصت به‌شمار می‌آید، یا تهدید؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حجم این مهاجرت به فرانسه با دارا بودن فرصت‌های معمول از جمله جبران نیروی کار و استفاده از ظرفیت‌های علمی این مهاجران، همواره چالش‌های امنیتی و نگرانی‌های فراوانی چون بیکاری، تغییر بافت جمعیتی از بُعد نژادی و مذهبی و نیز رشد گروه‌های تروریستی در این کشور را که گاهی در غالب گروه‌های تندرو اسلامی شکل می‌گیرند، در پی دارد که با گذشت زمان شدت و گستره این چالش‌ها افزایش می‌یابد و این امکان وجود دارد که چالش‌های ذکرشده در آینده امنیت فرانسه را با خطر مواجه کند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، مهاجرپذیری، فرانسه، کشورهای شمال آفریقا، فرار مغزها، جمعیت

-
۱. خانم صفورا ترک لادانی، استادیار گروه فرانسه دانشگاه اصفهان safouraladani@yahoo.com
۲. خانم زهره قبادی، کارشناس ارشد مطالعات فرانسه دانشگاه اصفهان zohreh.ghobadi89@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۲/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۲

فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۶۷۵-۶۵۷

مقدمه

انسان همواره در طول تاریخ زندگی خود، به دنبال انتخاب محلی مناسب و مطلوب برای گذران زندگی بوده و از این رو اقدام به مهاجرت به سرزمین‌های دیگر نموده است. لذا مهاجرت به معنای جابه‌جایی و نقل مکان از جایی به جای دیگر برای کار و زندگی است. انسان‌ها معمولاً با هدف دوری گزیدن از شرایط یا عوامل نامساعد اجتماعی محل زندگی خویش مانند فقر، کمبود مواد غذایی یا قحطی، بلایای طبیعی، جنگ، بیکاری و کمبود امنیت به سرزمین‌های دیگر مهاجرت می‌کنند. همچنین شرایط و عوامل مساعد اجتماعی در مقصد، مانند امکانات رفاهی بیشتر، کیفیت بالاتر نظام آموزشی، امکان کسب سطوح درآمدی بالاتر و تسهیل تأمین مسکن از علل تشویق‌کننده و برانگیزاننده برای مهاجرت هستند. امروزه مهاجرت غالباً از کشورهای جهان سوم به کشورهای توسعه‌یافته صورت می‌گیرد. آمریکا و اتحادیه اروپا از جمله مکان‌هایی هستند که امروزه مورد توجه بسیاری از مهاجران می‌باشند.

اروپا در طول نیم قرن گذشته شاهد امواج گسترده مهاجران به‌ویژه از آسیا و آفریقا، با فرهنگ، دین و زبان متفاوت بوده است و به دلایل متعددی مانند کمبود نیروی انسانی از این مهاجران نیز استقبال کرده است. هم‌اکنون بیش از ۳۰ میلیون نفر، یعنی ۶ درصد کل جمعیت اتحادیه اروپا، اتباع خارجی هستند که در اتحادیه اروپا زندگی می‌کنند. کشورهای آلمان، فرانسه، انگلستان و اسپانیا بیشترین تعداد مهاجران را دارا می‌باشند. امروزه فرانسه سرزمین مهاجران لقب گرفته است و مهاجرت گسترده به این کشور مسائلی را در پی داشته که همچنان جامعه فرانسه با آن‌ها دست به‌گریبان است. پس از جنگ جهانی دوم تعداد زیادی از مسلمانان که بیشتر مرد بودند، برای "کار" به این کشور مهاجرت کردند. این مهاجرت گسترده کارگران به دلیل نبود نیروی کار برای نوسازی خرابی‌های ناشی از جنگ بود. مهاجران عمدتاً از الجزایر و دیگر کشورهای شمال آفریقای شمالی بودند (مختاری، ۱۳۸۰: ۱۱۳).

اگرچه کشورهای اروپایی ابتدا با آغوشی باز مهاجران را پذیرفتند و حتی اتباع خارجی را به مهاجرت به اروپا تشویق می‌کردند، اما با گذشت زمان به تدریج پیامدهای حضور مهاجران در این کشورها خود را نمایان کرد. تلاش مهاجران برای حفظ هویت خود و از سوی دیگر، تلاش دولت‌های پذیرنده مهاجران برای ادغام فرهنگی، سیاسی و دینی آن‌ها در جوامع خود در طول دو دهه گذشته تبدیل به یک چالش اساسی برای دو طرف شده است. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که همواره برای اتحادیه اروپا به‌عنوان یک مجموعه و همچنین برخی کشورهای عضو از اهمیت زیادی برخوردار بوده، موضوع مهاجرت، مهاجران و سیاست‌های مهاجرتی بوده است. چنان‌که گفته شد، مهاجرپذیری

با اهداف تأمین نیروی انسانی موردنیاز برای کشورهای اروپایی و به‌ویژه کشور فرانسه صورت می‌گرفته است، ولی مهاجرت روزافزون مهاجران به‌ویژه مهاجران مسلمان کشورهای شمال آفریقا و مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی ناشی از حضور آنان در این کشورها به‌مرور منجر به نگرانی‌هایی برای اتحادیه اروپا و به‌ویژه فرانسه شده است. در این مقاله ابتدا علت مهاجرت از کشورهای شمال آفریقا به فرانسه و سپس دلایل مهاجرپذیری فرانسه از این کشورها و درنهایت فرصت‌ها و چالش‌های حاصل از مهاجرت این قشر افراد به فرانسه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این نوشتار با اتخاذ روش نقد توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که مهاجرپذیری فرانسه از کشورهای شمال آفریقا برای این کشور فرصت است یا تهدید؟ در پاسخ به پرسش‌های فوق فرضیه‌های زیر مطرح است:

۱. از آنجا که پس از جنگ جهانی خسارت‌های فراوانی ازجمله خسارات جانی و مالی به پیکره کشور فرانسه وارد آمده است، و نیز امروزه به علت کاهش نرخ زادوولد فرانسویان، جبران کمبود نیروی انسانی چه از بعد جمعیتی و چه از بعد اقتصادی و تأمین نیروی کار برای فرانسه امری حیاتی تلقی می‌شود. لذا جذب نیروهای انسانی از مستعمرات گذشته این کشور که در برخی موارد از قابلیت‌های عالی برخوردارند، راهکاری برای حل این مسئله است.

۲. پدیده مهاجرپذیری از کشورهای شمال آفریقا علاوه بر فرصت‌های موجود، چالش‌های مهم و قابل توجهی برای فرانسه به‌همراه دارد. این قشر از مهاجران با توجه به گرایش‌های مذهبی خود می‌توانند برای جامعه فرانسه خطری جدی محسوب شوند. چنانچه افزایش جمعیت آنان به‌معنای افزایش جمعیت مسلمانان قلمداد شود، این مسئله خطری بزرگ در راستای تغییر دین مسیحیت به اسلام در سال‌های آتی به‌طور اعم برای اروپا و به‌طور اخص برای فرانسه به‌شمار می‌آید. علاوه بر این، از آنجا که برخی از این مسلمانان دارای تفکرات افراطی هستند، می‌توانند در قالب گروه‌های تروریستی امنیت فرانسه را به‌چالش بکشند.

۱. تاریخچه مهاجرت مسلمانان کشورهای شمال آفریقا به اروپا در دوران معاصر مهاجرت مردم کشورهای شمال آفریقا به فرانسه پیشینه‌ای چندصدساله دارد. لذا نخست باید به‌دنبال چرایی انتخاب فرانسه به‌عنوان کشور مقصد از سوی شهروندان کشورهای شمال آفریقا بود. در پاسخ به این پرسش باید گفت، دلیل این انتخاب می‌تواند حضور استعماری فرانسه در سده‌های پیشین باشد که بخش اعظم مستعمرات آن مربوط به کشورهای شمال آفریقا بوده است؛ طبیعتاً به‌واسطه این حضور طولانی،

زبان و فرهنگ فرانسوی در این مستعمرات حاکم و رایج بوده است، به گونه‌ای که زبان دوم در این کشورها، زبان فرانسه محسوب می‌شود. بنابراین قرابت زبانی و فرهنگی از دلایل مهم مهاجرت آنان به فرانسه بوده است. چنان‌که احمدی معین می‌نویسد: "آشنایی با فرهنگ، زبان و آداب و رسوم کشور میزبان از عوامل تسهیل‌کننده این‌گونه مهاجرت بوده است" (احمدی معین، ۱۳۹۱: ۲۴). از سوی دیگر با توجه به ظرفیت‌های علمی، اقتصادی و سیاسی فرانسه به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور اروپای غربی، اتباع کشورهای شمال آفریقا این کشور را برای مهاجرت برگزیده‌اند. لیکن رشد مهاجرت اتباع کشورهای شمال آفریقا به فرانسه که غالباً هم مسلمان بودند، طی چند دهه اخیر رابطه تنگاتنگی با جنگ جهانی دوم دارد.

بخش زیادی از جمعیت کنونی مسلمانان در اروپا، معلول مهاجرت مسلمانان، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم است. در دهه ۱۹۶۰، به‌دلیل نیاز مبرم اروپا به نیروی کار، جمعیت مهاجران مسلمان در جستجوی کار در حال شکل‌گیری بود. حتی پیش از بروز جنگ جهانی اول، مهاجرت مسلمانان به فرانسه، به‌عنوان کارگران ارزان شمال آفریقا شروع شده بود. در سال ۱۹۱۲، بیش از پنج‌هزار نفر کارگر الجزایری در کارخانه روغن‌کشی زیتون شهر ماری و یا صنایع و معادن شمال و جنوب کشور اشتغال داشتند. با بالا رفتن میزان مرگ‌ومیر در جنگ، سیل مهاجرت ابعاد جدیدتری به خود گرفت (نیلسن، ۱۳۷۲: ۲۰) و درحقیقت وجود مهاجران کارگر شمال آفریقا وسیله‌ای برای پر کردن خلأ ناشی از فقدان نیروی انسانی و در نتیجه بهبود اقتصادی و توسعه فرانسه محسوب می‌شده است. به‌این‌ترتیب پس از پایان جنگ جهانی دوم و به پایان رسیدن دوران استعمار کهن کشورهای اروپایی در خاک کشورهای آفریقایی و به‌ویژه آفریقای شمالی، کشورهای اروپایی مورد هجوم مهاجران از سرتاسر دنیا قرار گرفتند. مهاجران عمدتاً به امید رفاه و آسایش بیشتر و ارتقای سطح زندگی اقتصادی یا به دلایل مختلف سیاسی، خاک اروپا را برای زیستن انتخاب کردند. بخش‌های وسیعی از مستعمرات سه کشور اصلی استعمارگر اروپا یعنی بریتانیا، فرانسه و هلند در مناطق مسلمان‌نشین قرار داشته است؛ از این‌رو، پس از جنگ جهانی دوم به‌ویژه از آغاز دهه ۱۹۵۰ به بعد، مهاجرت گسترده مسلمانان از این مستعمرات سابق به کشورهای استعمارگر اروپایی شروع شد. مهاجرت مسلمانان به فرانسه اغلب از مستعمرات پیشین و کشورهای تحت‌الحمایه فرانسه مانند الجزایر، مراکش، تونس، لبنان و سوریه صورت می‌گرفت (احمدی معین، ۱۳۹۱: ۲۲).

پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای اروپایی از جمله فرانسه با رشد اقتصادی چشمگیری مواجه شدند. این دوران که از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۵ به‌طول انجامید، دوران

طلایی یا دوران شکوفایی اقتصادی نام گرفت. این اقتصاد پرشتاب و روبه‌جلو نیاز به نیروی کار انسانی کم‌توقع، کم‌هزینه و پرشمار داشت؛ از این رو کشورهای اروپایی موافقت‌نامه‌های مهاجرتی با کشورهای اسلامی منطقه عرب و ترکیه امضا کردند و به این ترتیب دروازه مرزهای خود را به روی مهاجران مسلمان گشودند تا در قالب طرح کارگر مهمان، نیروی انسانی موردنیاز بازارهای کار خود را تأمین کنند. از جمله فرانسه برای تأمین نیروی کار خود، الجزیره و مستعمرات سابق خود در شمال آفریقا را برگزید (احمدی معین، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۲).

۲. دلایل مهاجرت مسلمانان شمال آفریقا به فرانسه

همان‌گونه که ذکر شد، همواره بشر درصد یافتن مکانی مناسب برای گذران زندگی خود بوده است و به این ترتیب می‌توان گفت مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی کشورهای مهاجرفرست و مهاجرپذیر دلایل کلی و اصلی پدیده مهاجرت به‌شمار می‌آیند. بنابراین از سوی کشورهای شمال آفریقا بحران‌های آفریقایی مانند جنگ کنگو و بحران‌های منطقه‌ای همچون بحران‌های دارفور سودان، سومالی و قحطی‌های مکرر در قاره آفریقا بر روند مهاجرت اثرگذار بوده است (مختاری، ۱۳۸۸: ۲۲۶-۲۲۵). علاوه بر این، شرایط مطلوب از سوی کشورهای مهاجرپذیر موجب برانگیخته شدن اتباع کشورهای شمال آفریقا به مهاجرت بوده است، که در ذیل به توضیح آن می‌پردازیم.

۲-۱. ایجاد بسترهای لازم از سوی فرانسه ۱

مهاجران مسلمان کشورهای شمال آفریقا در وطن خود با شرایط نابسامان اقتصادی دست‌به‌گریبان بودند و به دلیل نبود فرصت‌های شغلی، توانایی تأمین نیازهای مادی خود و خانواده‌شان را نداشتند؛ لذا به امید یافتن کار و کسب درآمدهای بیشتر کوله‌بار سفر می‌بستند و به‌عنوان کارگران مهاجر وارد کشورهای میزبان می‌شدند. آنچه موجب افزایش رشد مهاجرت به اروپا شده است، تثبیت موقعیت این کارگران مهاجر بوده که در صورت کسب شرایط مناسب، خانواده‌شان نیز به آنان می‌پیوستند. در حقیقت چنین روندی از جمله برنامه‌های کشور میزبان برای جذب مهاجران کارگر بوده است. به دنبال مهاجرت کارگری، فرایند بلندمدت‌تری پیش آمد. پس از مهاجرت مردان جوان که تنها با هدف اشتغال به اروپا می‌رفتند و پس از آن که موقعیت اقتصادی آنان در کشورهای مقصد تا حدودی تثبیت می‌شد، خانواده‌هایشان به تبعیت از آنان رهسپار اروپا می‌شدند و به آن‌ها می‌پیوستند که بخش عمده‌ای از جمعیت فعلی مهاجران مسلمان اروپا نتیجه این نوع مهاجرت‌ها است. (احمدی معین، ۱۳۹۱: ۲۴).

از جمله سیاست‌هایی که کشورهای اتحادیه اروپا در مورد مهاجرت در پیش گرفته‌اند، می‌توان به کارت آبی اشاره کرد. در ۲۳ اکتبر ۲۰۰۷ یک پیشنهاد به‌عنوان "دستورالعمل شرایط و ورود و اقامت اتباع کشور ثالث" به‌منظور اشتغال افراد متخصص و مجرب ارائه شد. به تبعیت از مفهوم آمریکایی گرین‌کارت، در ماه مه ۲۰۰۸ در دوران فرانکو فراتینی، کمیسر سابق دادگستری و امور داخلی اتحادیه اروپا، پیشنهاد مبسوطی در این مورد ارائه شد (Bjorklund, 2011).^(۱) در واقع اتحادیه اروپا قصد دارد در رقابت با دیگر کشورهای غربی بر سر افراد آشنا با تکنولوژی و خدمه بیمارستان‌ها که بیشتر از کشورهای در حال توسعه مهاجرت می‌کنند و دست یافتن به منابع کاری که می‌توانند کمبودهای موجود در اروپا را جبران کنند، بیشتر تلاش کند. براساس این طرح، مهاجرت افراد متخصص و خانواده‌هایشان به این اتحادیه تا حدودی تسهیل خواهد شد. اتحادیه اروپا قصد دارد با "کارت آبی" و با الگوی "کارت سبز آمریکا" کمبود نیروی کار متخصص خود را جبران کند. افراد متقاضی کارت آبی باید دارای مدرک لیسانس و بالاتر و یا ۵ سال تجربه تخصصی و حرفه‌ای باشند و ارائه یک قرارداد کاری با درآمد سالانه دست کم ۴۴۸۰۰ یورو بخشی از شرایط آن است. دارندگان "کارت آبی" به‌صورت خودکار دو سال اجازه اقامت و کار در یکی از کشورهای اتحادیه اروپا را دریافت می‌کنند و این امکان را خواهند داشت که اقامت خود را تمدید کرده یا به دیگر کشورهای این اتحادیه مهاجرت کنند. علاوه بر این، شرایط آسان‌تری هم برای مهاجرت خانواده این افراد به اتحادیه اروپا فراهم خواهد شد.

۲-۲. بهره‌مندی از خدمات رفاهی

فرانسه با دارا بودن ثروت مالی فراوان، سیاست دولت رفاه را در پیش گرفته و اقدام به ارائه خدمات رفاهی به شهروندان خود نموده است. هدف دولت رفاه، تأمین حد اعلای پیشرفت و راحتی فرد است. به این ترتیب کشوری با چنین شرایط رفاهی برای اتباعی که در کشور خود با فقر و بیکاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند، مأمی فراتر از آمال و آرزوهای آنان است. برای روشن‌تر شدن مطلب به تعاریفی درباره دولت رفاه پرداخته می‌شود. آرتور شلزینگر دولت رفاه را چنین تعریف می‌کند: "نظامی که در آن حکومت متعهد می‌شود سطوح معینی از اشتغال، درآمد، آموزش، کمک بهداشتی، تأمین اجتماعی و مسکن را برای همه شهروندان خود فراهم کند" (Hobman, 1971: 10). رابسون، در اظهار نظر راجع به کارویژه‌های رفاهی می‌نویسد: "از میان همه خدمات اجتماعی، خدمات رفاهی گسترده‌ترین عرصه را دارد، زیرا تقریباً همه افراد نیازمند از مادران بیوه گرفته تا کودکان محروم، از پیران ناتوان از مراقبت از خود گرفته تا زنان

مطلقه دارای فرزند، از زندانیان سابق که نمی‌توانند کار پیدا کنند گرفته تا افراد بیمار جسمی و روانی، از مهاجران بی‌وطن گرفته تا خانواده‌های دارای مشکلات را دربر می‌گیرد“ (Robson, 1957: 31). با تعاریف ارائه‌شده به‌خوبی علت مهاجرت گسترده به فرانسه آن‌هم از کشورهای درحال توسعه به‌ویژه کشورهای شمال آفریقا روشن می‌شود. مطابق با تعاریف دولت رفاه، فرانسه کشوری است که به‌ویژه در بخش بهداشت، درمان و آموزش، رایگان بوده و همچنین با ارائه بیمه بیکاری به شهروندان خود که دربرگیرنده مهاجران نیز می‌باشد، همواره به‌لحاظ مکانی مساعد و مطلوب و مورد توجه مهاجران کشورهای شمال آفریقا بوده است.

۳. علل مهاجرپذیری فرانسه از کشورهای شمال آفریقا

در حال حاضر حدود ۲۵ درصد از مهاجران جهان در قاره اروپا زندگی می‌کنند. در جنگ جهانی دوم حدود ۵۵ میلیون انسان در جنگ‌ها کشته شدند که بیشترشان اروپایی بودند. پس از جنگ، اروپا نیاز به بازسازی داشت و بعضی از کشورهای اروپایی نیروی کار مورد نیاز خود را از مهاجران کشورهای جهان سوم تأمین کردند که نمونه آن‌ها ترک‌ها در آلمان و الجزایری‌ها در فرانسه‌اند (مختاری، ۱۳۸۸: ۲۴۰). پس از آن رشد اقتصادی اروپا در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. این اقتصاد پرشتاب و رو به جلو نیاز به نیروی کار کم‌توقع، کم‌هزینه و پرشمار داشت (احمدی معین، ۱۳۹۱: ۲۲) و درحقیقت وجود مهاجران کارگر شمال آفریقا وسیله‌ای برای پر کردن این خلأ و در نتیجه بهبود اقتصادی و توسعه فرانسه شده است. زیرا همچنان‌که اشاره شد، این مهاجران کارگر به‌دلیل وضع نابسامان اقتصادی و شغلی به این کشور پناه آورده بودند، لذا تن به انجام کارهایی ولو بسیار سخت و ارزان می‌دادند.

در این زمینه از بُعد سیاسی هم می‌توان چنین ارزیابی کرد که فرانسه از طریق مهاجرپذیری به‌دنبال گسترش رابطه و تبادلات اقتصادی-سیاسی در حوزه کشورهای شمال آفریقا است؛ زیرا همواره منافع خود را در دسترسی و ایجاد روابط مستمر با این کشورها می‌داند. فرانسه از طریق مهاجرپذیری درصدد سلطه‌یابی به این مناطق و وابسته کردن این کشورها به خود می‌باشد. فرانسه مایل به ادامه حضور در آفریقا با اهداف کمک به تداوم قدرت رژیم‌های طرفدار خود است و از این راه امکان می‌یابد تا با حفظ نقش خویش همچون کشوری قدرتمند، آرایبی را در سازمان ملل متحد به نفع خود ذخیره کند.

بدیهی است پدیده مهاجرپذیری برای کشورهای میزبان هم‌زمان دربردارنده ابعاد مثبت و منفی است و توجه به یکی نمی‌تواند اثرات دیگری را در نظر کشورهای

مهاجرپذیر کم‌رنگ کند. به‌طور طبیعی حضور مهاجران در کشور میزبان بر مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و حتی گاهی بر مسائل سیاسی کشور تأثیر می‌گذارد، و این تأثیرات گاهی می‌تواند به‌گونه‌ای باشد که کشور میزبان در جهت توسعه و تعالی گام بردارد، که در این صورت این پدیده برای کشور مقصد فرصت تلقی می‌شود، و گاه ممکن است با ایجاد مشکلاتی عرصه‌های گوناگون کشور را به‌چالش بکشد. لذا در ادامه به بررسی این فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از مهاجرپذیری در کشورهای میزبان پرداخته می‌شود و راهکارهایی برای حل برخی از این پیامدها ارائه می‌شود.

۴. فرصت‌های ناشی از وجود مهاجران شمال آفریقا در فرانسه

۴-۱. بهره‌گیری از نیروی متخصص و نخبگان

نیاز اقتصادی به نیروی کار، اروپا را به برخوردی گزینشی با پدیده مهاجرت واداشته است و در کنار سیاست‌های سختگیرانه مهاجرتی، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو، جذابیت و مقررات آسان‌کننده زیادی برای جذب نیروهای فکری و آزموده مانند دانشجویان و نیروهای متخصص ایجاد کرده‌اند. از جمله سیستم کارت آبی اتحادیه اروپا رقابتی برای جذب مغزها و نیروهای متخصص است (Riccardo, 2008). آمار بانک جهانی از فرار مغزهای کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴ نشان می‌دهد که کشورهای آفریقایی مانند مالاوی، موزامبیک، گامبیا، رواندا، تانزانیا، لیبیا، چاد و مالی پایین‌ترین سرانه کارکنان بخش پزشکی به نسبت جمعیت را در جهان دارا هستند. تعداد پزشکان و پرسنل بهداشتی مهاجر این کشورها به نسبت نیروهای داخل کشور آمار قابل توجهی می‌باشد. در کشور مالاوی در سال ۲۰۰۴ سرانه نیروهای درمانی برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ۰/۰۱۱ بوده است.^(۱) با این حال در همین سال نسبت تعداد نیروهای درمانی مهاجر این کشور به نیروهای درمانی موجود در داخل ۲۸۲۸/ بوده است. براساس آمار بانک جهانی، بالاترین درصد نیروی پزشکی مهاجر، متعلق به کشورهای سومالی، چاد، هائیتی، مالاوی و لیبیا بوده است. به عبارت دیگر، باوجود این که کشورهای فقیر آفریقایی از پایین‌ترین جمعیت پزشکی برخوردار هستند، ولی نسبت به این جمعیت، بیشترین مهاجران نیروهای پزشکی را در بین این قشر از مهاجران جهان به خود اختصاص داده‌اند، که این مسئله به‌خودی‌خود موجب فقر روزافزون این کشورها می‌شود.

آمار نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۴ تعداد ۲۰ میلیون مهاجر متخصص در

کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ زندگی می‌کردند که افزایشی ۷۰ درصدی نسبت به ده سال گذشته آن داشته است؛ در حالی که تعداد مهاجران غیرمتخصص در این مدت افزایش ۳۰ درصدی را تجربه کرده است (طیبی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲). افزایش رشد قابل توجه مهاجرت این قشر از مهاجران حاکی از نیاز توأم با سیاست‌های انتخابی کشورهای میزبان است، مبنی بر این که توسعه کشورهای میزبان همواره نیازمند مهاجرپذیری، آن هم از قشر کارآمد و مفید مهاجران هستند. آنچه از مطالب بالا برمی‌آید، این است که کشورهای اروپایی و به‌ویژه فرانسه همواره درصدد جذب مهاجران متخصص و کارآمد از کشورهای جهان سوم هستند. (خضری، ۱۳۸۰: ۵۴۸-۵۴۷). بنابراین حضور این قشر از مهاجران در فرانسه موجب پیشرفت و توسعه این کشور شده و هم‌زمان رکود تولید، بیکاری، فقر و عدم توسعه‌یافتگی را برای کشورهای مهاجرفرست در پی خواهد داشت، لذا این مسئله موجب می‌شود که توان رقابت آن‌ها با کشورهای توسعه‌یافته در عرصه اقتصادی بیش‌ازپیش کاهش یابد. زیرا کارایی و قابلیت‌های این افراد به کشورهای پیشرفته سرازیر می‌شود و هزینه‌های صرف‌شده برای آن‌ها در کشورهای پیشرفته به‌ثمر می‌نشیند، بازدهی سرانه در آن کشورها را افزایش داده و شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته را گسترده‌تر می‌کند. این امر به‌نوبه خود باعث می‌شود که زمینه‌های نوآوری و خلاقیت و بهره‌برداری در کشورهای کمتر توسعه‌یافته دچار رکود شده و وابستگی‌های آن‌ها به کشورهای پیشرفته بیشتر شود، و این موضوع طبیعتاً هم‌سو با اهداف توسعه اقتصادی کشورهای مهاجرپذیر است؛ و چنین برمی‌آید که پذیرش مهاجران از کشورهای تحت استعمار سابق فرانسه، از این دیدگاه فرصت قابل توجهی برای آنان محسوب می‌شود.

۲-۴. بهره‌گیری از نیروی کارگر ارزان

اروپا همواره از وجود کارگران مهاجر ارزان در عرصه‌های اقتصادی بهره برده است. بهره‌برداری از این قشر افراد، محدود به زمان مشخصی نیست. در گذشته پس از پایان جنگ‌های جهانی اول و دوم به‌دلیل کمبود نیروی انسانی نیازمند وجود مهاجران بوده است، و امروزه استفاده از نیروی کار ارزان برای کسب سود بیشتر و نیز به‌کار گماشتن این کارگران در مشاغل سخت که شهروندان فرانسه حاضر به انجام آن نیستند، گواه دیگری بر تأیید نیاز فرانسه به وجود این مهاجران است. علاوه بر این، فرانسه برای حمایت از جمعیت پرتعداد سالخوردگان خود، به کارگران غیرتخصصی و منابع مالیاتی

گسترده نیاز دارد. از این رو اعطای ویزای کارگری - به ویژه در حوزه کارگران غیرحرفه‌ای - برای پناهجویان و دیگر مهاجران، می‌تواند گامی در راستای تأمین منافع اروپا باشد. مدافعان حقوق مهاجران معتقدند، اقتصاد اروپا مرهون نیروی کار ارزان مهاجران است (مختاری، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

در کشورهای اروپایی بخش‌های اقتصادی بسیاری از فقدان حقوق اجتماعی برای مهاجران استفاده فراوان برده‌اند. مزدبگیران زن در بازار سیاه، هنوز هم کمک بزرگی با توجه به کمبود آشکار ساختارهای دولتی در بخش نگهداری از کودکان و سالمندان به‌شمار می‌آیند (مختاری، ۱۳۸۸: ۲۴۸).

۳-۴. گسترش نفوذ فرانسه در کشورهای آفریقایی

از آنجاکه کشورهای شمال آفریقا در گذشته جزء مستعمرات فرانسه بوده‌اند و فرانسه همواره این کشورها را استثمار کرده است، لذا بدیهی است که این سرزمین‌ها همچنان از بعد سیاسی و اقتصادی مورد توجه فرانسه بوده و ارتباط با این کشورها در چارچوب برنامه‌های فرانسه باشد. براساس تحولات منطقه و بحران‌های پیش‌آمده، فرانسه از ژوئن ۲۰۰۸ اعلام کرده که دولتش برخی از اولویت‌ها را دارا است که طبق آن باید چهارچوب‌های اقتصادی خود را در آفریقا هرچه زودتر تحکیم بخشد. در واقع از زمانی که سارکوزی به ریاست جمهوری فرانسه رسید، بر این موضوع تأکید داشت که باید تا حدودی وضعیت دوره استعمار در آفریقا بازگردانده شود، زیرا نوع ارتباط فرانسه با آفریقا برای اهداف سیاسی پاریس اهمیت زیادی دارد. در همین حال وی بر رابطه‌ای منطقی با پایه تجارت میان فرانسه و آفریقا تأکید کرد.^(۲) بنابراین حضور مهاجران مسلمان شمال آفریقا طبیعتاً می‌تواند در گسترش نفوذ فرانسه در کشورهای شمال آفریقا مؤثر باشد. همان‌گونه که اشاره شد، همواره عده‌ای مسلمان به‌شکل دانشجوی برای فراگیری علوم روز دنیا به کشورهای اروپایی مهاجرت می‌کنند و شمار چشمگیری از آنها پس از فراغت از تحصیل در همان کشور اروپایی رحل اقامت دائم می‌افکنند و جذب بازار کار کشور میزبان می‌شوند. با این که تعداد این مهاجران از مهاجران کارگری و اقتصادی کمتر است، اما مهارت‌های تحصیلی‌شان سبب می‌شود نقش مهمی در فرایند روابط متقابل میان جوامع مسلمان و جامعه بزرگ‌تر اروپا ایفا کنند (احمدی معین، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۶)، و از آنجا که بخشی از این دانشجویان، مهاجران کشورهای شمال آفریقا هستند، با نقش و جایگاهی که این افراد در جامعه فرانسه احراز می‌کنند، به‌نوعی می‌توانند نقش لابی‌گری در ایجاد ارتباط میان فرانسه و کشورهای شمال آفریقا داشته باشند.

۴-۴. استفاده از قابلیت‌های مهاجران در زمینه‌های ورزشی

بهره‌مندی فرانسه از قابلیت‌های مهاجران مسلمان کشورهای شمال آفریقا و یا به تعبیری دیگر فرصت ایجادشده از این مسئله به‌وضوح در حوزه ورزشی آنان مشهود است. از آنجاکه این افراد از توانمندی‌های فیزیکی و تکنیکی بالایی برخوردارند، بنابراین ممکن نیست که جامعه ورزشی فرانسه از به‌کارگیری آنان در رشته‌های ورزشی خود چشم‌پوشد. چنان‌که حضور پررنگ آنان در بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۴ در والیبال و فوتبال کاملاً مشهود بوده است. حضور ۵ تن از بازیکنان ملی‌پوش فرانسه در بازی فوتبال جام جهانی ۲۰۱۴،^(۳) که همگی مسلمان و تبعه کشورهای شمال آفریقا بودند، به‌روشنی مؤید این مطلب است. در نتیجه حضور پررنگ این بازیکنان آن هم در بازی‌های جام جهانی بیانگر کارآمد بودن و نیز قابلیت‌های غیرقابل‌انکار آنان در عرصه‌های ورزشی است.

با توجه به این که مهاجران کشورهای شمال آفریقا در فرانسه در اقلیت به‌سر می‌برند و گاهی از تبعیض‌های اجتماعی رنج می‌برند (برای نمونه امروزه در فرانسه مهاجران را شهروند دوم می‌خوانند، حتی اگر از دسته نسل دوم و سوم باشند و زادگاه آنان فرانسه باشد) بنابراین این افراد با حضور در حوزه‌های ورزشی که طبیعتاً مورد توجه هر کشوری است، توانمندی‌های خود را در این عرصه به‌نمایش گذاشته و به‌این‌ترتیب خود را در بین فرانسویان مطرح می‌کنند. از آنجا که امروزه شهروندان فرانسوی بنا بر دلایلی چون بیکاری و بزهکاری ناشی از وجود این مهاجران و بهره‌مندی آنان از خدمات اجتماعی، از حضور این مهاجران در جامعه خود اظهار نارضایتی می‌کنند، لذا این افراد درصددند که بخشی از این مشکلات را از طریق کسب محبوبیت در زمینه ورزشی برطرف کنند و وجهه مناسبی از ملیت آفریقایی خود را به فرانسویان عرضه کنند.

۵. چالش‌های ناشی از حضور مهاجران مسلمان کشورهای شمال آفریقا ۱

بالطبع هیچ پدیده‌ای به‌طور مطلق سودمند و یا زیان‌بار به‌شمار نمی‌آید. زیرا همواره در کنار کوه‌های بلند، دره‌های عمیقی نیز وجود دارند. به‌این‌ترتیب پدیده مهاجرت برای کشورهای مهاجرپذیر علاوه‌بر فرصت‌های معمولی که برای آنان به‌ارمغان می‌آورد، دارای ابعاد منفی نیز می‌باشد. از آنجا که مهاجران کشورهای شمال آفریقا غالباً مسلمان هستند، با توجه به تفاوت‌های هویتی، مذهب آنان برای فرانسه مهم‌ترین چالش محسوب می‌شود. وجود آنان پیامدهای دیگری از قبیل مسئله تروریسم، گوناگونی فرهنگی و

معضل بیکاری نیز برای جامعه فرانسه دربردارد که در ادامه به توضیح آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۵. اشاعه دین اسلام در جامعه فرانسه

حضور گروه‌های پراکنده مسلمانان در اروپا از جمله در اروپای شرقی و همچنین در قسمت‌هایی از فرانسه و اسپانیا به سده‌های پیش بازمی‌گردد. اما تنها از سده نوزدهم بود که مهاجرت گسترده مسلمانان به اروپا آغاز شد و در سده بیستم به اوج رسید. ولی امروزه این مسئله، یعنی اسلام، به یک چالش مهم برای اروپا و به‌ویژه فرانسه تبدیل شده است. چرایی این مسئله را باید در افزایش روزافزون مهاجران و به‌تبع آن مسلمانان، به‌ویژه از شمال آفریقا جستجو کرد.

تحلیل تازه‌ترین آمارهای به‌دست‌آمده از تغییر بافت جمعیتی در اروپا، مجامع جهانی و ارگان‌های اطلاعاتی-امنیتی اروپا را دچار وحشت کرده است. با رشد منفی جمعیت اروپایی‌ها و رشد و گسترش اعراب و مسلمانان در قاره سبز، برآوردها نشان می‌دهد در صورت ادامه این روند، تا پایان قرن بیست‌ویکم، مسلمانان، اکثریت جمعیت را در اروپا تشکیل خواهند داد. روزنامه "واشنگتن تایمز" در گزارشی می‌نویسد: در مهد تمدن غرب، گهواره‌ها همه خالی هستند، [...] کشورهای اروپایی شاهد کاهش و سقوط پیش‌بینی‌نشده نرخ زادوولد هستند، یک بعد آشکار این مسئله جمعیت‌شناختی در شهرهای فرانسه آشکار شد که در آنجا، آشوب‌ها از ردیف جمعیتی جوان آغاز شد که پسران بیکار خانواده‌های مهاجری بودند که از غرب و شمال آفریقا به فرانسه آمده بودند. مایکل دالوس، تحلیل‌گر سابق وزارت امور خارجه آمریکا که اکنون با سازمان تحلیل رفاه اجتماعی در آکادمی فیزیک کاربردی "جان هاپکینز" همکاری می‌کند، معتقد است، نسل جدید عرب در اروپا، هم اکنون در سن نوجوانی هستند و به‌زودی جوانان بیست‌ساله‌ای خواهند شد که تأثیرات بی‌شماری بر جامعه اروپا خواهند گذارد. دالوس در آخرین تحلیل خود گفته است: یک دوره چهل ساله در سال ۲۰۱۰ آغاز شده است، اگر تعداد مسلمانان به همین نسبت ۲۰ تا ۲۵ درصد کل جمعیت اروپا باقی بماند، تعداد افراد بزرگسال شاغل به ۴۰ درصد یا بیشتر می‌رسد و فاصله زمانی بین ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰ می‌تواند برای تغییر ماهیت تمدن اروپا کافی باشد. میزان زادوولد نسل اول مهاجران مسلمان در فرانسه، سه برابر فرانسوی‌الصل‌ها بوده است (مختاری، ۱۳۸۸: ۲۱۴).

هیچ آمار رسمی درباره گرایش‌های دینی در فرانسه وجود ندارد، اما تخمین زده می‌شود که حدود ۴ تا ۵ میلیون نفر از ۶۰ میلیون ساکن این کشور مسلمان باشند. این تعداد برابر ۷ یا ۸ درصد از کل جمعیت است، که نسبت به همه کشورهای اتحادیه اروپا

بیشتر است. این مطلب به این معنا است که اسلام پس از مسیحیت بیشترین تعداد پیروان را در این کشور دارد و اکثریت مسلمانان در مستعمرات پیشین فرانسه، در شمال آفریقا یعنی الجزایر، مراکش و تونس ریشه دارند.^(۴)

سیاست‌های رسمی فرانسه در قبال اجتماعات دینی از دیرباز تحت هدایت اصل لائیسیته قرار دارد. طبق این اصل، رفتار دینی وحدت مردم فرانسه را به خطر می‌اندازد و در جامعه فرانسه اختلاف به وجود می‌آورد (مرشدی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۵) و این امر به این معنا است که مسلمانان نباید شعائر دینی خود را در ملاءعام اعمال کنند. به عقیده آنان دین یک مسئله خصوصی است. ولی از آنجا که مسائلی چون نوع حجاب زنان مسلمان نمی‌تواند در چارچوب این قانون بگنجد، لذا این مسئله به موضوعی حل‌نشده از هر دو جانب تبدیل شده است، زیرا نه مسلمانان می‌توانند مسئله حجاب را کنار بگذارند و نه فرانسه قادر به پذیرش این موضوع می‌باشد. فرانسه نوع حجاب مسلمانان را راهی برای اظهار هویت و دگربودگی آنان در جامعه فرانسه می‌داند. در نتیجه موضوع اسلام و مسلمانان کماکان برای فرانسه چالشی مهم محسوب می‌شود.

برخی از محققان بر این باورند که فرهنگ اسلامی با فرهنگ و سنت‌های اروپایی در تضاد است و جمعیت روبه‌رشد مسلمانان در اروپا طی دهه‌های آینده تأثیراتی شگرف در راستای تغییر ساختار اجتماعی و سیاسی اروپا خواهد داشت. گروهی از این محققان حتی پا را فراتر می‌گذارند و از عباراتی مثل "زوال اروپا"^۱ و "اسلامی شدن اروپا"^۲ استفاده می‌کنند. امانوئل تود، فیلسوف فرانسوی معتقد است، یکی از مهم‌ترین خطراتی که جوامع اروپایی آن را احساس کرده‌اند، غلبه جمعیتی مسلمانان در اروپا و در نتیجه غلبه اسلام و توسعه آن در این جوامع است. همچنین افزایش تعداد مسلمانان در اروپا باعث قدرتمندتر شدن صدای سیاسی آنان در آینده می‌شود و دولت‌های اروپایی مجبور می‌شوند نظرات و دیدگاه‌های آنان را نیز در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ کنند (Caldwell, 2009: 22-36).

۲-۵. مسئله تروریسم و بنیادگرایی ۱

فرانسه با توجه به موقعیت جغرافیایی و سابقه‌اش به‌عنوان یک قدرت استعماری در شمال آفریقا و مشکلاتی که در ترکیب اقلیت مسلمان داشته، هدف گروه‌های افراطی بوده است.^(۵) به این ترتیب مسئله تروریسم یکی دیگر از چالش‌های پیش‌روی فرانسه در ارتباط با مهاجران مسلمان است. اما دلیل رشد مسئله افراط‌گرایی در فرانسه را می‌توان

1. Europe s Decline
2. Islamification of Europe

این‌گونه در نظر گرفت که در سال‌های اخیر نسل دوم و سوم مهاجران خارجی در اروپا رشد کرده است. آن‌ها زاده کشورهای اروپایی هستند، اما اقلیت کمی از آن‌ها نتوانسته‌اند خود را با اوضاع اجتماعی و سیاسی آن کشورها وفق دهند. در واقع تحقیقاتی که از لحاظ جامعه‌شناسی انجام شده، نشان می‌دهد که اکثر کسانی که به‌طور کلی در اتحادیه اروپا دنباله‌رو گروه‌های افراطی می‌شوند، کسانی هستند که حامی پدری ندارند. یعنی آنان از یک‌سو از سرزمین‌های اصلی پدران خودشان بریده شده و از سوی احساس علاقه‌ای هم به کشورهای بی‌گانه که در آن زندگی می‌کنند، ندارند. در واقع می‌توان گفت، این افراد یک‌سری افراد از جامعه بی‌خانمان هستند که به دنبال جایی می‌گردند که خود را با آن وفق دهند. درحقیقت یکی از علل اصلی گرایش آن‌ها به گروه‌های افراطی همین نکته است (لقمانی، ۱۳۹۳).

موضوع دیگر آن است که اکثر این جوانان اروپایی که دنباله‌رو گروه‌های تندرو می‌شوند، در جامعه اروپایی دیده نشده و درحقیقت در این جوامع حل نشده‌اند و محل درآمدی چندانی هم ندارند. یعنی با وجود اینکه متولد اروپا هستند و در آنجا بزرگ شده‌اند و زبان مادری آن‌ها زبان آن کشور اروپایی است، اما هنوز عضوی از آن جامعه نیستند، لذا این افراد اکثراً دنباله‌رو گروه‌های افراطی می‌شوند (لقمانی، ۱۳۹۳). به‌گونه‌ای که حضور اتباع فرانسوی در سوریه و عراق گواه این مطلب است. با توجه به این که برخی از این گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق را اتباع مسلمان فرانسه تشکیل می‌دهند، بنابراین آن‌ها می‌توانند در نشر عقاید تکفیری و تروریستی خود در بین سایر مسلمانان و حتی شهروندان فرانسوی و جذب آنان در این گروه‌ها مؤثر باشند که این مسئله به شدت امنیت فرانسه را به خطر می‌اندازد. دولت فرانسه به‌طور رسمی اعلام کرده است که دست کم هزار نفر از اتباع این کشور در عملیات گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه حضور دارند. علاوه بر این، مقام‌های فرانسوی و برخی مقامات کشورهای غربی بیم آن را دارند که آن گروه از شبه‌نظامیان خارجی که در سوریه مهارت نظامی کسب کرده‌اند، هنگام بازگشت به وطن خود به عملیات تروریستی در این کشورها مبادرت کنند.^(۶)

۳-۵. مسئله گوناگونی انسانی و فرهنگی

پذیرش و جذب مهاجران خارجی از جمله مهاجران مسلمان در فرهنگ و مذهب فرانسه یکی از اهداف این کشور در راستای تقلیل پیامدهای مهاجرپذیری است. ولی از دید بعضی از صاحب‌نظران در اروپا بسیاری از مهاجران مسلمان حاضر نیستند فرهنگ و سنن خود را رها کنند و با اروپاییان هم‌رنگ شوند. البته در این مورد ممکن است نظر

عامه مردم با دانشمندان علوم اجتماعی و یا سیاستمداران متفاوت باشد؛ اما درک و نگاه غالب، این طرز تلقی را تهدیدی جدی بر موجودیت فرهنگ اروپایی خود می‌داند. بنابراین رشد پدیده مهاجرت که باعث افزایش چالش‌ها شده است، اغلب اوقات از دید یک شهروند اروپایی به‌عنوان تهدید به‌شمار می‌رود.

نمونه مشخص پایبندی مسلمانان به اصول دینی خود و ترویج و آموزش آن‌ها به نسل‌های آتی، ایجاد اتحادیه سازمان‌های اسلامی فرانسه است. هدف اصلی این اتحادیه پیشرفت فرهنگ اسلامی با استفاده از ابزار قانونی و کمک به مسلمانان فرانسه برای انجام اعمال مذهبی‌شان است. رهبران آن به‌دنبال حمایت از جمعیت‌های اسلامی محلی برای انجام فعالیت‌های مذهبی و آموزشی هستند. به‌عنوان مثال، یک کمیسیون آموزشی به جمعیت‌های محلی برای تدریس قرآن و عربی کتاب اهدا می‌کند. همچنین، آن‌ها روش‌های آموزشی را که به‌ویژه مربوط به نیازهای کودکان مسلمان مقیم فرانسه است، توسعه داده‌اند. آن‌ها می‌خواهند از این کودکان از طریق رشد آن‌ها در دین اسلام در برابر فریب‌های شیوه زندگی غربی حمایت کنند. برای این هدف، آن‌ها هر سال اردوهای تفریحی برای کودکان تشکیل می‌دهند که طی این اردوها به کودکان قرآن آموزش داده می‌شود. به‌طور معمول حدود ۶۰۰ خانواده در این فعالیت شرکت می‌کنند. اتحادیه سازمان‌های اسلامی فرانسه، یکی از ائتلاف‌های جمعیت‌های اسلامی در فرانسه است که دال بر اختلافات مسلمانان فرانسه است. این موارد همچنین بر شروع پاسخ‌های سازمانی به تقاضاهای مسلمانان برای شکل‌گیری اسلامی مقتدر در فرانسه و درعین حال سازمان‌دهی فعالیت‌های آنان برای مشارکت مستقیم اجتماعی و سیاسی دلالت دارد (Esposito, 1995: 272-273).

رشد نقل و انتقال و جابه‌جایی مهاجران باعث افزایش "گوناگونی انسانی" می‌شود و قابل رؤیت بودن این مسئله اغلب اوقات یک تهدید به‌شمار آمده است. علاوه بر این، بمب‌گذاری‌های نیویورک، مادرید و لندن باعث افزایش نگرش فاجعه‌آمیز به اثرات وجود فرهنگ‌های مختلف و "برخورد" کذایی بین تمدن‌ها شده است. ترس از تروریسم، بر ترس از رقابت‌های فردی و قومی در یک جامعه متلاشی‌شده از لحاظ اجتماعی و فرهنگی افزوده شده است. به همین دلیل در اروپا این "نمونه‌های ادغام" بحرانی ارزیابی می‌شوند. (مختاری، ۱۳۸۸: ۲۵۰).

بعضی از دست‌اندرکاران امور مهاجرتی غرب مدعی هستند که اغلب مهاجران مسلمان در کشور مقصد به‌نوعی زندگی می‌کنند و مدافع ارزش‌هایی هستند که در کشور مبدأ خودشان مدت‌ها پیش پشت‌سر نهاده شده و در آن کشورها مردم بیش از پیش به شیوه زندگی پست‌مدرن و ملل صنعتی اروپای غربی روی آورده‌اند (مختاری،

۱۳۸۸: ۲۱۸). این مسئله گویای این حقیقت است که آنان پذیرای فرهنگ غرب نبوده و به هم‌رنگ شدن با جامعه غرب تن نمی‌دهند و با اتحاد و همبستگی در این مورد می‌توانند در نشر و تثبیت فرهنگ و عقاید قومیتی-مذهبی خود در کشور مقصد مؤثر باشند. لذا فرانسه باید درصدد جذب مهاجران از اقشار مختلف قومیتی، مذهبی و فرهنگی باشد که از این طریق بتواند از اتحاد و تشکیل گروه‌های مذهبی-فرهنگی و حتی سیاسی خاصی جلوگیری کند. زیرا جمعیت و اتحاد روزافزون یک قشر خاص می‌تواند منجر به ایجاد قدرت غیرقابل‌کنترلی شود تا جایی که حتی آنان داعیه حکومتی مستقل در آن کشور را داشته باشند.

۴-۵. مسئله بیکاری

در دهه‌های اخیر، نرخ بیکاری در فرانسه افزایش یافته است. باوجود این که نخستین قربانیان معضل بیکاری مسلمانان هستند، ولی حزب دست‌راستی افراطی ژان ماری لوپن، علت عمده بیکاری فرانسویان را حضور خارجی‌ها در این کشور می‌داند و از آن بهره‌برداری می‌کند. درحقیقت حضور بیش‌ازپیش مهاجران کشورهای شمال آفریقا در عرصه‌های شغلی به‌ویژه در بخش کارگری و نیز رضایت آنان به حقوق کمتر از حد معمول، موجب شده است که کارفرمایان برای کسب سود بیشتر، استخدام مهاجران را در اولویت قرار دهند. بنابراین طبیعی است که این مسئله موجب از دست دادن کار شهروندان فرانسوی شده و یا این که آن‌ها ناچار به انجام کار با حقوق پایین می‌شوند. لذا حضور مهاجران در فرانسه می‌تواند یکی از دلایل بیکاری فرانسوی‌الاصل‌ها به‌شمار آید.

طبق برخی بررسی‌ها، مهاجرت موجب شده است که شمار بسیاری از شرکت‌ها در اروپا اقدام به استخدام کارکنان ارزان‌قیمت کنند و این امر موجب کاهش حقوق کارکنان اروپایی شده است. مطالعات بسیاری در زمینه تأثیر مهاجرت بر حقوق اروپاییان انجام شده است. مطالعه ژوزف آتلونجی و دیوید کارد نشان می‌دهد که افزایش نسبی مهاجران باعث کاهش ۱/۲ درصدی حقوق کارمندان شده است. لذا این موضوع نارضایتی و خشم شهروندان فرانسوی را نسبت به مهاجران برانگیخته است. این مسئله می‌تواند موجب ایجاد شورش و اعتراض‌های شهروندان فرانسه نسبت به دولت فرانسه شود، زیرا در این شرایط، حقوق شهروندان این کشور تزییع شده و آنان خواهان احیای حقوق خود خواهند بود.

نتیجه‌گیری

این نوشتار به بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از مهاجرت مسلمانان کشورهای شمال آفریقا به فرانسه پرداخته است. همچنان‌که روشن شد، فرانسه در مواردی از وجود این مهاجران بهره‌جسته و علاوه بر آن، با تهدیدهایی نیز در این مورد مواجه شده است و بدیهی است این کشور نمی‌تواند نسبت به هیچ‌یک از ابعاد ناشی از این امر بی‌توجه باشد. اتخاذ شرایط سخت و محدودکننده برای ورود مهاجران، ناشی از نگرانی اروپا و به‌ویژه فرانسه، حاکی از پیامدهای حضور مهاجران در جامعه آن‌ها است.

با بررسی فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی فرانسه در موضوع مهاجرپذیری از کشورهای شمال آفریقا چنین استنباط می‌شود که فرانسه باید موضعی موازنه‌جویانه در این مورد درپیش گیرد که هم از فرصت‌های ناشی از آن استفاده کند و هم زمینه به‌وجود آمدن چالش‌ها را تا حد امکان از بین ببرد. پس از جنگ جهانی دوم ممالک اروپایی کوشیدند که خانواده‌ها نوزادان بیشتری به دنیا بیاورند تا کمبود نیروی انسانی از دست‌رفته‌شان را جبران کنند. طبق تحقیقات اجتماعی، کشورهایی که سیاست تولد بیشتر نوزاد را به‌طور مقطعی و موقت به اجرا درمی‌آوردند، در آینده نزدیک به شدت با کمبود نیروی کار مواجه می‌باشند، زیرا نوزادان متولدشده پس از جنگ جهانی دوم بخشی از قوای کار جامعه اروپا را تشکیل می‌دهند که روبه‌تحلیل بوده و به سن بازنشستگی گام می‌نهند و با توجه به اینکه میزان مرگ‌ومیر در اکثر کشورهای اروپایی بیشتر از زاد و ولد است، لذا تعادل جمعیت روبه‌کاهش بوده و کمبود این نیرو تنها از راه پذیرش مهاجر و آوردن نیروی کار امکان‌پذیر است. به این دلیل محققان علوم اجتماعی می‌دانند که اروپا اصولاً نیاز به مهاجر داشته است. از این‌رو فرانسه با الگوپذیری از آمریکا که به‌منظور ایجاد تناسب میان اقشار اجتماعی مختلف از همه کشورهای دنیا مهاجر می‌پذیرد، درصدد ایجاد تنوع در مهاجرپذیری خود است. جمعیت اروپا در سال ۲۰۰۴ حدود ۲/۳ میلیون افزایش یافته که بیشتر از نیمی از آن‌ها فقط مهاجران هستند. در بعضی از شهرهای اروپایی مانند روتردام مهاجران مسلمان در اکثریت قرار گرفته‌اند که به‌عقیده بسیاری از صاحب‌نظران اروپایی این مسئله زنگ خطر را برای دنیای مسیحیت به‌صدا درآورده است (مختاری، ۱۳۸۸: ۲۲۸) علاوه بر این، گروه‌های تروریستی که برخی از آنان مسلمانان افراطی بوده و در سازمان القاعده و اخیراً داعش ایفای نقش می‌کنند، تهدیدی برای امنیت فرانسه محسوب می‌شوند و چنین برمی‌آید که گروه‌های یادشده یا گروه‌هایی مشابه، درصدد ایجاد ائتلاف علیه این کشور برآیند. لذا برخی کارشناسان غربی معتقدند که فرانسه باید پذیرای مهاجران غیرمسلمان نیز باشد که به‌نوعی از ایجاد ائتلاف و اتحاد گروهی بین اقشار یا گروه‌های مذهبی خاص جلوگیری به‌عمل آورد.

باتوجه به سیاست‌های فرانسه در حوزه پذیرش مهاجران به‌خوبی می‌توان دریافت که این کشور به‌رغم پیامدهای ناشی از وجود مهاجران مسلمان، نیازمند پذیرش آنان ازجمله در زمینه شغلی است، که پیشتر به آن اشاره شد. با این که شهروندان فرانسوی با مشکل بیکاری مواجه هستند، لیکن برخی از مشاغل سخت، وجود این مهاجران را می‌طلبد. زیرا آنان از نیروی جسمانی و تحمل بالایی در شرایط سخت برخوردار بوده و به دستمزدهای پایین بسنده می‌کنند. از طرفی نیروهای فرانسوی‌الصل، احساس مالکیت در کشور خود داشته و خواهان مشاغلی با وجهه اجتماعی بالا و دارای حقوق و رفاه بیشتری هستند؛ بنابراین به‌طور طبیعی حاضر به کار در سطوح پایین نخواهند بود. در نتیجه وجود نیروهایی برای پر کردن چنین خلاءهای شغلی الزامی است.

این موضوع بیانگر آن است که فرانسه نمی‌تواند چشم خود را بر فرصت‌ها و منافع ایجادشده حاصل از حضور این مهاجران ببندد. زیرا هرچند جامعه فرانسه در موضوع مهاجرپذیری با چالش مواجه شده، لیکن از این پدیده منتفع نیز گردیده است. بنابراین فرانسه با آگاهی از شرایط موجود و نیز اشراف بر مشکلات آینده خود، همچنان درصدد جذب این مهاجران خواهد بود. هر چند که مقام‌های این کشور تلاش دارند که این روند موجب وابستگی فرانسه به کشورهای شمال آفریقا نشود. از طرف دیگر این نگرانی در فرانسه وجود دارد که این مهاجران در مواقعی مانند خشونت‌های خیابانی می‌توانند امنیت فرانسه را به‌چالش بکشند. در واقع برخی از این مهاجران که برخاسته از فقیرترین بخش‌های کشورهای شمال آفریقا هستند، در پی مهاجرت به کشور فرانسه و رویارویی با امکانات رفاهی و پیشرفت این کشور و دسترسی آسان آن‌ها به آموزش و امکانات فراوان که همه آن را معلول استعمارگری فرانسه در دو سده اخیر در کشورهای مستعمره آفریقایی می‌دانند، جبهه خشم و انزجار علیه این کشور اتخاذ می‌کنند که حاصل آن اعمال خشونت و رفتارهای سوء در جامعه مقصد است. علاوه بر این، در شرایط بحران اقتصادی و تنگناهای مالی و همچنین با وجود مسئله بیکاری که حضور این مهاجران در به‌وجود آمدن این معضل بی‌تأثیر نیست، شهروندان اصلی فرانسه ممکن است در صورت وجود این‌گونه نابسامانی‌ها، نسبت به حضور این مهاجران اظهار انزجار و اعتراض کنند و این مسئله می‌تواند نارضایتی و بالطبع برخوردها و خشونت‌هایی را از سوی آنان در پی داشته باشد.

یادداشت‌ها

1. <http://siteresources.worldbank.org/intprospects/resources/334934-1288990760745/migrationdevelopmentbrief19.pdf>.
2. <http://paysenafrique.blogfa.com>.
3. www.tarafdari.com.
4. Haut conseil à l'intégration (HCI), at <http://www.islamlaicite.org/IMG/pdf/isl-repu-Ht-conseil.pdf>.
5. www.tasnimnews.com.
6. <http://www3.ahvaz.irna.ir/fa/NewsContent-id-81002566.aspx>.

1

منابع

الف) فارسی

- احمدی معین، محمدمهدی (۱۳۹۱)، *آشنایی با مسلمانان جهان اسلام، مسلمانان اتحادیه اروپا*، تهران: مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- طیبی سیدکمال، عمادزاده، مصطفی و هاجر رستمی (بهار ۱۳۹۰)، "اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه"، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال اول، شماره دوم.
- لقمانی، عباس (۲۸ دی ۱۳۹۳)، *نوع نگاه و پیامد حضور پناهندگان در اتحادیه اروپا*، تهران: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- مختاری، محمدمهدی (۱۳۸۸)، *مهاجران مسلمان و چالش‌های آینده اروپای متحد*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مرشدی‌زاد، علی (۱۳۸۸)، *تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر*، گزارش فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلستینکی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

ب) انگلیسی

- Bjorklund, Amanda (2011), *Skilled Workers Leaving for the European Union*, Stockholm: Juridicum.
- Caldwell, Christofer (2009), *Reflections on the Revolution in Europe: Immigration, Islam, and the West*, New York: Doubleday.
- Esposito, John L. (1995), *Modern Islamic World*, New York: Oxford University Press.
- Hobman, D.L. (1971), *The Welfare State*. London: Allen Unwin.
- Robson, William A. (1957), *Welfare Society: Illsion and Reality*, New York: Macmillan Co.